

فروش روزنامه با چماق تهدید

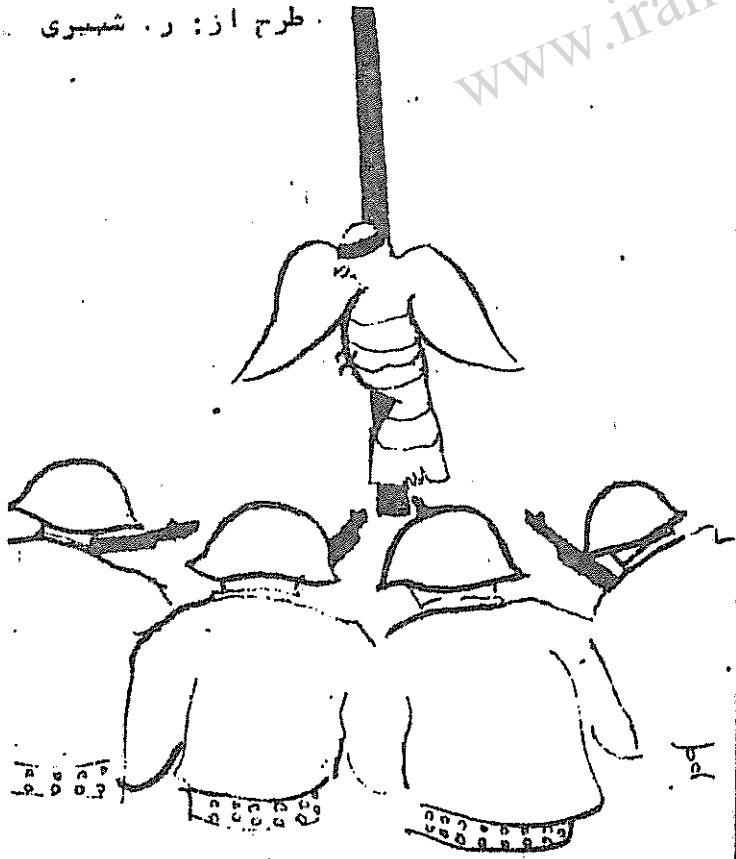
در شماره های گذشته "رهائی" به گران شدن بهای روزی نامه های اطلاعات و کیهان اشاره کردیم و توضیح دادیم که کم شدن تیراژ این روزی نامه ها بعد از تحریم خریدن آن توسط مردم ، صاحب آنها (بنیاد مستضعفان) را مجبور کرده که با گران کردن بهای تکفروشی روزنامه و کم کردن پورسانت روزنامه فروش ها زمینه را برای سرازیر کردن سود سرشار گذشته به جیب آنان فراهم کند. در روزهای گذشته در کنار تمام حوادث مهم و غیر سیاسی ، کلنجار رفتن مدیران اطلاعات و کیهان با روزنامه فروشها تا به آنجا بالا گرفت که باعث شد روزنامه فروشها از فروش آنها خودداری کنند و تیراژ پائین این دو روزی نامه را باز هم پائین تر بیاورند (در هفته ی گذشته تیراژ آنها در تهران به حد ده هزار نسخه کاهش یافت) بعد از این ماجرا دو روز متوالی سرمقاله های اطلاعات و کیهان روزنامه فروشها را مخاطب قرار داده و بعد از مقادیری نصیحت و تذکر "مشکلات" در آخر دست به تهدید و ارباب علیه زحمتکشان روزنامه فروش زدند تا بلکه از این طریق خود را از ورشکستگی حتمی نجات دهند. این حربه ها اما تا مدتی موثر واقع نشدند زیرا روزنامه فروشان خود بهتر از هر کسی می دانند که هدف مدیران این دو روزنامه از گران کردن بهای تکفروشی و پائین آوردن پورسانت آنها چیست.

این امر را حتی از خلال نوشته های خود این دو روزنامه در روزهای قبل براحتی میتوان دریافت. اطلاعات و کیهان زمانیکه دلایل گران کردن بهای تکفروشی را ذکر می کردند از جمله نوشته بودند که توزیع روزنامه و رساندن آن تا پهای دکه ی روزنامه فروش بعهده اداره ی روزنامه است آنها همچنین بدرستی ارزیابی کرده بودند که درآمد یک روزنامه فروش با دکه ای در نقطه ای مناسب در ماه حداکثر به ۳۰۰۰ هزار تومان می رسد. با این وجود زمانیکه جمله قلمی به روزنامه فروشان ضرورت یافت این گفته ها را فراموش کرده و دم از درآمدهای چند ده هزار تومانی توریح کنندگان در ماه می زنند غافل از اینکه خود اقرار کرده بودند که شرکت توزیع در پخش روزنامه در تهران نقشی ندارد. سخن از فساد و ضد انقلابی بودن "تعدادی" از روزنامه فروشان می زنند ولی فراموش می کنند که همانطور که مخارج مواد اولیه برای چاپ روزنامه بالا رفته ، مخارج زندگی روزنامه فروشان نیز نسبت به سال های قبل چند برابر شده است. و تازه این بین پیشرومان در حالی از گرانی کاغذ و مرکب دم می زنند که فوق العاده های ۲۸ صفحه ای بمنظور بزرگداشت "شهادت مظلوم" نیز منتشر می کنند. زهی

وقاحت!

گفتیم که "دلایل" و در حقیقت استفاذهای مدیران اطلاعات و کیهان برای نرم کردن روزنامه فروشان موثر نیافتاد و بالاخره این دو موسسه "غیرانتفاعی" که ظاهرا هدفشان صرفا ارشاد مسلمانان است ، متوسل به همان حربه ای شدند که امام امت و زیر دستانشان از ماهها قبل بسه موافد آن پی برده بودند: تهدید و ارباب. روزنامه فروشانی که از فروش این دو روزنامه خودداری میکردند تهدید به بیکساری و از دست دادن دکه های خود شدند. و قرار شد که اسامی آنها در این دو ورق پاره درج شود تا امت حزب الله خود حسابشان را برسند. همچنین قرار شد که برای تمام روزنامه فروشان از طرف وزارت ارشاد اسلامی "کارت کسب" صادر شود! تا عناصر "ضد انقلابی" از درون صف شریف روزنامه فروشان تمفیه شوند! تا زمانیکه این "اقدامات انقلابی" به سرانجام برسد ، امت انقلابی (بخوان کمیته چپ های ششولسبند) وظیفه ی مقدس فروش این روزنامه ها را نیز بعهده می گیرد و ... ضمن شکار انقلابیون با دریافت ۵ ریال از هر روزنامه بسه فروش آنها اقدام خواهند کرد.

طرح از: ر. شبیری



هسته های مقاومت توده ای را سازمان دهیم